

Tribalism in the Parliamentary Elections of Iran and Factors Related to its Continuity (The Case of Parsabad City, Ardabil Province)

Akbar Zare-Shahabadi^{1*}, Javad Ekhtiyari Aqdam², Mehran Bondori³

1. Associate Professor, Department of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran (Corresponding Author); a_zare@yazd.ac.ir
2. MA in Sociology, Yazd University, Yazd, Iran; javadmogon@gmail.com
3. PhD Candidate in Sociology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran; Mehran.bondori465@gmail.com

Original Article

Abstract

Background and Aim: Tribalism, the strong loyalty to one's own tribe, is a characteristic of traditional and tribal structures that still exist in some regions of Iran and can affect formal elections. This research aimed to investigate the factors related to the tendency towards tribalism in Parsabad's parliamentary elections of the Islamic Parliament of Iran.

Methods and Data: This cross-sectional survey was conducted among 384 people over 18 years of age (who were eligible to participate in the elections) in Parsabad. They were selected through multi-stage cluster sampling technique. The data was collected by a questionnaire with content validity and Cronbach's alpha reliability.

Findings: The research findings showed that legalism, the feeling of relative deprivation and the embodied dimension of cultural capital were related to tribalism in elections.

Conclusion: Tribalism in the elections has led to the exclusion of people who could have provided many services at the local and national level.

Keywords: Islamic Parliament of Iran, Elections, Tribalism, Relative deprivation, Legalism, Parsabad.

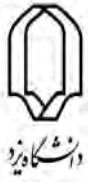
Key Message: A competent electoral system plays an important role in the formation of an efficient parliament and government as well as political and social stability. This aim is achieved when the mechanisms and cultural and social contexts of the elections are well-established. The election of worthy people from all tribes enables public participation in the administration of the country's affairs. Tribalism can be reduced by developing political parties.

Received: 11 August 2022

Accepted: 08 November 2022

Citation: Zare-Shahabadi, A., Ekhtiyari Aqdam, J., & Bondori, M. (2023). Tribalism in the Parliamentary Elections of Iran and Factors Related to its Continuity (The Case of Parsabad City, Ardabil Province). *Journal of Social Continuity and Change*, 2(1): 81-95. <https://doi.org/10.22034/jscc.2022.18835.1041>





طایفه‌گرایی در انتخابات مجلس شورای اسلامی و عوامل مرتبط با تداوم آن در شهر پارس آباد استان اردبیل

اکبر زارع شاه‌آبادی^{۱*}، جواد اختیاری‌ا قدم^۲، مه‌رآن بندری^۳

۱- دانشیار بخش جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول): a_zare@yazd.ac.ir

۲- دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران: javadmogan@gmail.com

۳- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران: mehran.bondori465@gmail.com

مقاله پژوهشی

چکیده

زمینه و هدف: طایفه‌گرایی و وجود احساسات و روحیات قوی در طایفه‌گرایی، از ویژگی‌های ساختار سنتی و قبیله‌ای می‌باشد که در برخی از مناطق ایران همچنان پایدار مانده و بر مسئله انتخابات تأثیرگذار است. این پژوهش با هدف بررسی عوامل مرتبط با طایفه‌گرایی در انتخابات مجلس شورای اسلامی شهر پارس‌آباد صورت گرفته است.

روش و داده‌ها: پژوهش حاضر به روش پیمایش طراحی شده و از نظر زمان، مقطعی و از نظر نوع، کاربردی است. جامعه آماری تحقیق، افراد بالای ۱۸ سال شهر پارس‌آباد که واجد شرایط شرکت در انتخابات هستند را تشکیل می‌دهند. داده‌ها با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، در نمونه ۳۸۴ نفری گردآوری شد. پرسشنامه محقق‌ساخته که اعتبار آن از طریق اعتبار محتوا و پایایی به شیوه محاسبه آلفای کرونباخ سنجیده شده بود، مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بین قانونگرایی، احساس محرومیت نسبی و بعد تجسم یافته سرمایه فرهنگی با طایفه‌گرایی در انتخابات رابطه وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری: طایفه‌گرایی در انتخابات منجر به حذف افرادی از انتخابات شده است که در سطح محلی و ملی می‌توانستند منشأ خدمات بسیاری باشند. در نتیجه، شخصیت‌های توانمندی از عرصه خدمت‌رسانی کنار نهاده شده‌اند.

واژگان کلیدی: مجلس شورای اسلامی، انتخابات، طایفه‌گرایی، پارس‌آباد، محرومیت نسبی، قانونگرایی

پیام اصلی: نظام انتخاباتی مطلوب تأثیر به‌سزایی در تحقق شکل‌گیری مجلس و دولت کارآمد، ثبات سیاسی و اجتماعی دارد و زمانی این مهم تحقق می‌یابد که سازوکارها و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی انتخابات، پی‌ریزی درستی داشته باشد. انتخاب افراد شایسته از همه طوایف، زمینه مشارکت همگانی در اداره امور کشور را می‌سازد. با ایجاد سندیکاهها و حزب‌ها و تحزب‌گرایی که فراتر از افراد و نخبگان بومی باشند، می‌توان طایفه‌گرایی را کاهش داد.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۰

ارجاع: زارع‌شاه‌آبادی، اکبر؛ اختیاری‌ا قدم، جواد؛ بندری، مه‌رآن (۱۴۰۲). طایفه‌گرایی در انتخابات مجلس شورای اسلامی و عوامل مرتبط با تداوم آن در شهر

پارس‌آباد استان اردبیل، *تداوم و تغییر اجتماعی*، ۲(۱): ۹۵-۸۱. <https://doi.org/10.22034/jscc.2022.18835.1041>



مقدمه و بیان مسأله

تعلق خاطر و گرایش به گروه و جامعه‌ای که انسان در آن تولد یافته و ارزش‌ها، باورها و آرای خود را در آن درونی ساخته، موضوعی جاودانه و فراگیر است (گودرزی، ۱۳۸۴: ۷). در چارچوب یک ایل، آنچه ایجاد تعهد، مسئولیت و حتی وظیفه می‌کند و کنش‌های جمعی را شکل می‌دهد، رابطه خویشاوندی است. اعضای که با یکدیگر احساس خویشاوندی می‌کنند، به دفاع یا حمایت از یکدیگر برمی‌خیزند و دشواری‌های فردی خود یا دیگر اعضای ایل را مشکلات خانواده یا خاندان خود می‌پندارند. مبنای قضاوت، استدلال نیست، بلکه صحت، حق و نوع برخورد بر مبنای، خویشاوندی تعیین می‌شود. فرد همان ایل است و خانواده مساوی با ایل (سریع‌القلم، ۱۳۸۷: ۵۷-۵۸). در این جوامع، افراد به شدت متأثر از ساختارهای اجتماعی هستند؛ به طوری که افراد یا گروه‌های انسانی (تیره، اقوام) در جابه‌جایی‌های افقی و عمودی خود، آگاهانه یا ناآگاهانه، پیوسته در حفظ اصل یا بازگشت به اصل خود می‌کوشند (سجادیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۰).

طایفه‌گرایی و وجود احساسات و روحیات قوی طایفه‌گرایی، اگرچه محاسنی از قبیل: همبستگی، حس وفاداری و روحیه تعاون و همکاری را در گروه‌های انسانی تحکیم و تقویت می‌کند، اما پیامدهای زیانبار فراوانی نیز به دنبال دارد، از جمله: استمرار و تداوم ساختار سیاسی سنتی و حفظ قدرت و نفوذ رهبران و نخبگان سنتی، مانعی بزرگ در تحول سیاسی جامعه و گسترش نهادهای مدنی قلمداد می‌شود (اورکی، ۱۳۹۴: ۹۸). برخی از صاحب‌نظران سه مانع عمده در ساختار قدرت سیاسی ایران برمی‌شمارند که عبارتند از: ۱- تمرکز منابع قدرت به عنوان ویژگی اصلی تکوین ساخت دولت مطلقه مدرن؛ ۲- چندپارگی اجتماعی و فرهنگی؛ و ۳- ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی گروه حاکمه (بشریه، ۱۳۸۱: ۱۷۰)، که طایفه‌گرایی در ذیل چندپارگی اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرد. اصولاً طایفه‌گرایی در اغلب موارد، تأثیرات منفی در توسعه اجتماعی-اقتصادی یک کشور اعمال می‌کند و آن را از توسعه باز می‌دارد (شکوئی، ۱۳۸۱: ۹۵). این که فرهنگ سیاسی ایران همواره از ویژگی‌های فردگرایی منفی، بی‌اعتمادی، نهادگرایی، فقدان اجماع نظر، خویشاوندگرایی، هزار فامیلی، بی‌قانونی، نامنی، بحران هویت ملی و فرآیند ناقص کشور-ملت‌سازی در رنج بوده است، به نظر ریشه در ساخت عشیره‌ای این سرزمین دارد (سریع‌القلم، ۱۳۸۷: ۶۵).

از جمله شاخص‌های مثبت توسعه سیاسی که اندیشمندان بسیاری بر آن اتفاق نظر دارند عبارتند از: افزایش حق رأی و انتخابات^۱ آزاد با رأی‌دهندگان زیاد، و مشارکت بیشتر مردم در روندهای سیاسی است (عالم، ۱۳۸۹: ۱۲۷). نظر متعارف این است که انتخابات، سازوکاری است که می‌توان با آن از سیاستمداران توضیح خواست و آنها را واداشت سیاست‌هایی ارائه دهند که تا حدی بازتاب افکار عمومی باشد (هیوود، ۱۳۸۹: ۳۳۰). رأی‌دادن صورتی از مشارکت سیاسی شهروندان است و شاید تنها صورتی از مشارکت است که دموکراسی‌های بزرگ در سررسیده‌های منظم زمانی، اکثریت وسیعی از شهروندان را دور هم جمع می‌کنند. اهمیت سرنوشت ساز این رویه در این است که در عین حال که حکومتگران را برمی‌گزینند، به آنان نیز مشروعیت می‌دهد (دومارگون و موشار، ۱۳۹۵: ۲۰۹).

در کشورهای غربی به علت سابقه طولانی انتخابات و استحکام دموکراسی و فعالیت احزاب و دسته‌بندی‌های سیاسی قوی و گوناگون، زمینه‌های متفاوت‌تری در امر انتخابات نسبت به ملل در حال توسعه دارند. پدیده انتخابات و تحولات مربوط به آن، فرآیندی است که متناسب و هماهنگ با تحولات درونی کشورهای غربی شکل گرفته و رشد یافته است. در حالی که مطرح‌شدن این پدیده در ایران با توجه به متفاوت بودن ساختارهای اجتماعی آن، پیامدهای مهمی را به دنبال داشته است. از جمله این پیامدها که هم اکنون آثار و نمود آن در بسیاری از شهرهای کوچک و پیرامونی ایران مشاهده می‌گردد، گزینش کاندیدها بر اساس تعلق به طایفه است. به گونه‌ای که افراد متعلق به طوایف بزرگ در شهرها شانس پیروزی بیشتری در انتخابات دارند و این منجر به آن شده است که افرادی که شایستگی و صلاحیت کافی برای چنین سمت خطیری ندارند به واسطه نفوذ و یا سوءاستفاده از متنفذین محلی، خود را به طایفه تحمیل کنند، که این پدیده علاوه بر آن که در یک سطح محلی آثار سوئی دارد، در سطح ملی نیز عواقب جبران‌ناپذیری دارد.

^۱. Election

چه بسا بسیاری از نخبگان سیاسی، علمی و دانشگاهی ما به واسطه همین پدیده، هیچگاه شانس حضور در در قامت نماینده را نخواهند داشت. مشاهده می‌شود که در ایام انتخابات حس همبستگی اجتماعی در درون طوایف بیشتر می‌شود، چراکه پیروزی در انتخابات حس برتری و اعتبار به طایفه می‌بخشد و از سویی، فردی که به عنوان نماینده به مجلس راه می‌یابد این انتظار از او می‌رود که افراد هم طایفه را به عنوان مسئولین سمتهای شهری بگمارد و در این حین شاهد حضور افرادی نالایق بر سر کار هستیم و این چرخه ناکارآمدی باعث شده که شهر از پیشرفت و آبادانی دور شود.

در حال حاضر فرهنگ قبیله‌ای و ارزش‌های به جا مانده از این نوع سبک زندگی در بعضی مناطق کشور همانند شهر پارس‌آباد امری پرنفوذ بر رفتار سیاسی و انتخاباتی شهروندان است. شهر پارس‌آباد نیز شامل تعداد زیادی از طوایف می‌باشد که مهم‌ترین و تأثیرگذارترین طایفه‌های این شهر را اجیرلو، گیگلو، قره داغلو و بیگدلی تشکیل می‌دهند. این طایفه‌ها در سرنوشت مردم شهر پارس‌آباد به خصوص در مجلس تأثیرگذار هستند و اگر افراد دو یا سه طایفه با هم متحد شوند می‌توانند کاندیدای مدنظرشان را در انتخابات پیروز کنند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی چهار دوره مجلس شورای اسلامی نمایندگان دشت مغان با مرکزیت تبریز وارد مجلس می‌شدند اما بعد از تقسیم استان آذربایجان به سه استان آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی و اردبیل، نماینده دشت مغان شامل شهرهای گرمی، پارس‌آباد و بیله‌سوار به تابعیت استان اردبیل درآمد و تا دوره پنجم دارای یک نماینده بودند ولی از دوره ششم دشت مغان دارای دو نماینده گردید یکی نماینده گرمی و دیگری نماینده پارس‌آباد و بیله‌سوار و تا سال ۱۳۷۸ پارس‌آباد و بیله‌سوار دارای یک حوزه انتخابیه مشترک بودند. نمایندگان این حوزه در ادوار مختلف متعلق به طایفه‌های مختلفی بودند. در دوره ششم مجلس شورای اسلامی، از طایفه (بیگدلی)، دوره هفتم از طایفه (گیگلو)، دوره هشتم از طایفه (اجیرلو)، دوره نهم از طایفه درگاهلو و در دوره دهم، از طایفه (قره داغلو) به عنوان نماینده منتخب برگزیده شده‌اند. همانگونه که اشاره گردید حمایت و پشتیبانی طایفه‌ای نقش اصلی را در تعیین و انتخاب نمایندگان مجلس در شهر پارس‌آباد دارد، از این رو بنیاد پژوهش کنونی بر این پرسش نهاده شده است که چه عواملی مرتبط با گرایش به طایفه‌گرایی در انتخابات شهر پارس‌آباد می‌باشد؟

پیشینه تحقیق

عشایری و جهان‌پرور (۱۴۰۰) در تحلیل تأثیر ساختار طایفه‌ای بر کنش انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران نشان دادند وابستگی ایلی-طایفه‌ای در سطح بالا و متغیر تحصیلات و احساس محرومیت نسبی در سطحی متوسط بر کنش انتخاباتی تأثیر معنادار داشته است. زارع و همکاران (۱۳۹۷) در بررسی تأثیر طایفه‌گرایی بر الگوی انتخابات مجلس هشتم تا دهم شورای اسلامی (مطالعه موردی: شهرستان نورآباد) نشان دادند رقابت بر سر منابع کمیاب، طایفه‌گرایی، تعصبات شدید طایفه‌ای احساس همبستگی و تعلق طایفه‌ای، قدرت‌نمایی قومی، بیشترین تأثیر بر الگوی انتخابات مجلس داشته‌اند. باقری دولت‌آبادی و همکاران (۱۳۹۷) در بررسی تأثیر فرهنگ عشیره‌ای-طایفه‌ای بر رفتار انتخاباتی (مطالعه موردی: روستایان حوزه انتخابی دنا) نشان دادند بین فرهنگ طایفه‌ای-عشیره‌ای و رفتار انتخاباتی رابطه معناداری وجود دارد. یعنی با افزایش در شاخص فرهنگ طایفه‌ای عشیره‌ای و نخبگان قومی، شاخص رفتار انتخاباتی روستایان شهرستان دنا کاهش می‌یابد.

میرزایی‌تبار و همکاران (۱۳۹۶) در تبیین رابطه طایفه‌گرایی و حقوق شهروندی (نمونه پژوهشی: انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخاباتی ممسنی) نشان دادند نگرش‌های محلی و عشیره‌ای و تسلط فرهنگ طایفه‌گرایی با آزادی و استقلال فردی، ورود به حریم

فکری و شخصی، ناکارآمد ساختن نیروهای اجتماعی و تخصیص ناعادلانه منابع و امکانات در مناطق ممسنی منجر به نادیده گرفتن حقوق شهروندی در این حوزه انتخابیه می‌شوند. سجاسی قیداری و همکاران (۱۳۹۵) در تحلیل رابطه طایفه‌گرایی اجتماعات محلی با توسعه سیاسی در شرایط انتخاباتی (مطالعه موردی: شهرستان نورآباد ممسنی) نشان دادند بین دو متغیر طایفه‌گرایی و توسعه سیاسی ارتباط معناداری وجود داشته است. در شهرستان ممسنی به دلیل حاکمیت بافت سنتی و غلبه عناصر متأثر از این بافت بر عناصر مدرن و تلفیق آن با برخی موانع چالش برانگیز، فرآیند توسعه سیاسی را با موانعی مواجه کرده است.

صفری‌شالی (۱۳۹۴) در بررسی رفتار رأی‌دهندگی ایرانیان در انتخابات مجلس شورای اسلامی نشان داد مهم‌ترین عوامل مؤثر در رفتار رأی‌دهندگان در انتخابات، حوزه جغرافیایی سکونت، عضویت در گروه‌های اجتماعی، خانواده، عضویت در گروه‌های قومی و مذهبی، وابستگی‌های حزبی، ویژگی‌های روانی و شخصی فرد است. پیری و حسین‌پور (۱۳۹۳) در تحلیل رفتار انتخاباتی شهروندان استان ایلام در انتخابات مجلس شورای اسلامی (با تأکید بر انتخابات مجلس نهم) نشان دادند مشارکت فرد در انتخابات چه به عنوان رأی‌دهنده و چه به عنوان کاندیداتور، بر اساس تعلقات محدود خویشاوندی و طایفه‌ای است و خویشاوندگرایی مانع از تخصص‌گرایی و قانون‌مداری به عنوان اساس دموکراسی می‌شود. شمس‌الدینی و همکاران (۱۳۹۳) در بررسی نقش مشارکت سیاسی روستائیان در افزایش خدمات‌رسانی به روستاهای شهرستان ممسنی دریافتند بیش از ۸۵ درصد از رأی‌دهندگان منطقه با تکیه بر هویت طایفه‌ای کاندیداها به انتخاب نماینده خود دست زده‌اند. همچنین خدمات‌رسانی و توزیع منافع و منابع اقتصادی-رفاهی در روستاهای مورد مطالعه با انتخاب نماینده از یک طایفه خاص و نگاه ویژه نماینده به روستاهای هم‌طایفه عموماً ارتباط مستقیم و تنگاتنگی دارد.

در کشورهای غربی به علت سابقه طولانی انتخابات و استحکام دموکراسی ادبیات سیاسی مربوط به رفتار انتخاباتی و انتخابات بسیار گسترده است. این که چرا افراد ممکن است به جای انتخاب یک حزب به حزب دیگری رأی بدهند و یا چرا در یک حوزه انتخاباتی وضعیت آرای افراد به شکل خاصی بوده است، همگی از جمله مسائلی هستند که مدت‌هاست ذهن پژوهشگران غربی را به خود معطوف نموده است. نای و همکاران (۱۹۹۹) در «بررسی رأی‌دهنده آمریکایی در حال تغییر» نشان دادند افراد بر اساس منافع که روی کارآمدن احزاب برایشان به دنبال خواهد داشت، دست به انتخاب می‌زنند. کمپل و همکاران (۱۹۸۰) در «بررسی رأی‌دهنده آمریکایی» نشان دادند گرایش‌های بلندمدت از طریق هویت حزبی و ایدئولوژی‌های سیاسی بر رأی افراد تأثیر می‌گذارند و گرایش‌های کوتاه‌مدت از طریق تمایل فرد به مسائل سیاسی مختلف و گرایش به سوی یک نامزد خاص.

لازارسفلد و همکاران (۱۹۶۸)، در «بررسی انتخابات مردم» نشان دادند شهروندان به دلیل عضویت در گروه‌های مختلف اجتماعی نامزدهای خود را انتخاب می‌کنند. مهم‌ترین معرف‌های ساخت اجتماعی و عضویت در گروه‌های مختلف در نظر آنان عبارت بودند از: محل سکونت، طبقه اجتماعی و دین شهروندان. داوونز (۱۹۵۷) در «بررسی تحلیلی اقتصادی از نظر سیاسی»، رأی‌دهنده را به مثابه یک کنشگر عقلانی نشان داد که در هر شرایطی می‌کوشد تا کوتاه‌ترین راه را برای رسیدن به منافع خود انتخاب نماید. داوونز نتیجه می‌گیرد که رفتارهای سیاسی افراد ریشه در خواست مادی آنها دارد.

با تأمل در محتوای منابع اشاره شده در بالا، مشاهده می‌شود هرچند در بررسی موضوع طایفه‌گرایی و یا حتی تأثیر طایفه‌گرایی با موضوع حاضر همسو هستند، اما آنچه باعث تمایز پژوهش حاضر از سایر پژوهش‌ها شده است بررسی عوامل تأثیرگذار بر گرایش افراد به طایفه‌گرایی در انتخابات است. هر کدام از این پژوهش‌ها به صورت و نوعی از متغیرهای اثرگذار بر انتخابات پرداخته بودند ولی آنچه که این پژوهش را خاص‌تر می‌کند دامنه متغیرهایی بود که مورد بررسی قرار گرفت. در بررسی‌هایی پیشین متغیرهایی مانند قانون‌گرایی و سرمایه فرهنگی و احساس محرومیت نسبی مرتبط با موضوع مربوطه سنجیده نشده است. امری که در این تحقیق بدان توجه شده و آن را از تحقیقات دیگر متمایز ساخته است.

مبانی نظری پژوهش

واتزر معتقد است در گروه و قبیله، مردم در خوی، خون، خاک و فرهنگ مشترک ریشه دارند، افراد بسیار شبیه به هم و همواره به کل جامعه وابسته هستند و این وابستگی همبستگی قوی و محکم گروه طایفه‌ای را ایجاد و فرد را در مقابل قوم و خویشاوندان خود مسئول می‌کند؛ همچنان که طایفه فرد نیز در برابر وی مسئول شناخته می‌شوند. حفظ چنین مسئولیتی و تقویت تمایل داشتن به حفظ پیوندهای خونی به شکل‌گیری گروه کلان و قبیله منجر می‌شود (نیازی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵).

به زعم راجرز در جامعه عشیره‌ای، اعضای یک گروه با همدیگر همسان تلقی می‌شوند. آنها نوعی هویت اجتماعی به دست می‌آورند که اعتبارشان را از گروه خود کسب می‌کنند؛ بنابراین آنها بدین جهت که در درون گروهی در ارتباط با گروه‌های بیرونی پایگاه یا موقعیت بالایی داشته باشند، تشویق و ترغیب می‌شوند، طوری که حمایت بیش از حد با تضاد قرار گرفتن با افراد خارج از گروه همراه خواهد بود. بنابراین، جامعه عشایری ایران به مناسبت دارابودن نیای مشترک تاریخی در زیر شاخه‌های نیای مشترک، زندگی خویشاوندی و حفظ این وابستگی نوعی ساخت سنتی خویشاوندی هر می شکل را ایجاد نموده‌اند و هرچه از قاعدهٔ هرم به رأس آن پیش برویم بر تحکیم نسبی این وابستگی افزوده می‌گردد (نیازی و عشایری، ۱۳۹۴: ۶۰-۶۱). بر اساس نظریه واتزر و راجرز، مشترکاتی که در جامعه طایفه‌ای وجود دارد از جمله ریشه و نیای مشترک، سرزمین مشترک و ... باعث می‌شود فرد خود را برخاسته از طایفه به شمار آورد، فرد موجودیت و اصالت خود را از طایفه می‌داند و در همه اوضاع و شرایط طایفه پشتیبان فرد است. نهادینه‌شدن چنین افکاری در اوان زندگی کودکان و نوجوانان منجر به خودمحوربینی طایفه خود می‌شود و در همه زمان‌ها و مکان‌ها این احساس ایجاد می‌شود که فرد باید از طایفه خود حمایت کند که یک نمونه از این حمایت‌ها در زمان انتخابات جلوه پیدا می‌کند.

لازارسفلد با مطالعه همبستگی‌های موجود بین ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی از یک سو و رفتار رأی‌دهندگان از سوی دیگر، به این نتیجه می‌رسد که چگونگی رأی‌دادن مردم تا اندازه قابل توجهی حاصل جامعه‌پذیری سیاسی است و منظور از جامعه‌پذیری سیاسی، فرآیند پیوسته یادگیری است که به موجب آن جامعه‌پذیری سیاسی هم از طریق نهادهای اولیه مانند خانواده و گروه‌های همسن و هم از طریق نهادهای ثانوی مانند احزاب سیاسی و اجتماعی صورت می‌گیرد (قجری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۴). لازارسفلد به این نتیجه رسیده بود که اثر تبلیغات بر رأی‌دهندگان بسیار ناچیز است، و در عمل تبلیغات گسترده احزاب تأثیر چندانی بر رأی‌دهندگان نگذاشته و آنها مدت‌ها پیش از تبلیغات انتخاباتی تصمیم خود را گرفته‌اند؛ این گروه نشان داد که با مطالعه شرایط اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی رأی‌دهندگان به آسانی می‌توان جهت‌گیری سیاسی آنها را پیش‌بینی کرد (ایوبی، ۱۳۷۷: ۱۷).

لازارسفلد معتقد است افرادی که دارای موقعیت اجتماعی خاص‌اند و حتی در یک منطقه جغرافیایی خاص زندگی می‌کنند، سالیان دراز گرایش ثابتی در مسائل اجتماعی دارند: فرد از نظر سیاسی آنگونه می‌اندیشد که از نظر اجتماعی در آن به سر می‌برد، عوامل اجتماعی تعیین‌کنندهٔ گرایش‌های سیاسی افرادند. نتایج بررسی‌های لازارسفلد این بود که بر مبنای سه خصوصیت اجتماعی-پایگاه اقتصادی اجتماعی، تعلق دینی و محل سکونت، پیش‌بینی آراء اکثریت بزرگی از رأی‌دهندگان را ممکن می‌ساخت (خالقپور، ۱۳۹۱: ۳۱).

لازارسفلد در نظریه خود تأکید می‌کند جهت‌گیری سیاسی معلول شرایط اجتماعی و فرهنگی است که فرد درون آن زیسته است، طبق این نظریه، از آنجا که زندگی مردم پارس‌آباد از دیرباز به صورت طایفه‌ای بوده، در جامعهٔ طایفه‌ای فرد به شدت به گروه و جمع متکی است. طایفه منافع فرد را تضمین می‌کند و فرد خارج از طایفه تعریفی ندارد. بر این اساس رشد فرد در چنین شرایط اجتماعی و فرهنگی منتهی به این می‌شود که انسان تحت تأثیر چنین محیطی قرار بگیرد و الگوی رأی‌دهی خود را به صورتی برگزیند که تنها به هم طایفه‌ای خود رأی دهد.

بر اساس نظریه رقابت بر سر منافع ادغام سیاسی گروه‌های قومی در داخل یک دولت-ملت خاص، چارچوبی فراهم می‌سازد که در آن رقابت بر سر منابع -به ویژه مشاغل دولتی- انگیزه عمده کشمکش میان قومی را به وجود می‌آورد. هویت‌یابی قومی به عنوان اساس اقدام جمعی زمانی تحقق می‌پذیرد و حفظ می‌شود که امتیازات آشکاری وجود داشته باشد که با تکیه بر هویت قومی بتوان برای دست‌یافتن به آنها با دیگران رقابت کرد. این رقابت میان گروه‌های قومی عامل بسیج قومی است و منجر به تشکیل سازمان‌های قومی و افزایش هویت‌های قومی می‌شود. رقابت قومی نیز زمانی به وجود می‌آید که گروه‌های قومی سعی دارند بر سایر گروه‌های قومی اکثریت یا اقلیت در دستیابی به همان منابع پیشی بگیرند. در شرایطی که منابع پایدار یا ناپایدار مطرح باشد، این رقابت منجر به اقدام جمعی قومی می‌شود (ربیعی، ۱۳۸۷: ۳۰۳).

جدول ۱- نظریه و نظریه‌پردازهای مربوطه

متغیر استخراج شده	نظریه
طایفه‌گرایی	نظریه واتزر
	نظریه راجرز
قانون‌گرایی / سرمایه فرهنگی	نظریه لازارسفلد
احساس محرومیت نسبی	نظریه رقابت بر سر منافع
	نظریه محرومیت نسبی

به گفته گلیر و موینیان^۱، گروه‌های قومی به میزان بی‌سابقه‌ای به عنوان وسایل تجلی و پیشبرد منافع اقتصادی و سیاسی ظهور می‌کنند. آنها معتقدند که با ظهور دولت رفاهی و گرایش کلی دستگاه‌های دولتی به ایفای نقش داور در رقابت‌های اقتصادی و سیاسی، قومیت به عنوان تأمین و گسترش منافع مادی کاربرد گسترده استراتژیک پیدا کرد. بر اساس نظریه رقابت بر سر منافع، گروه‌های قومی و طایفه‌ای که در یک سرزمینی وجود دارند همواره برای دستیابی به منابع به ویژه مشاغل دولتی با هم رقابت دارند و این رقابت در صحنه‌ای به مانند انتخابات ظهور و بروز می‌کند و افراد آن قوم برای آن که بتوانند به منافع خود دست یابند همیشه سعی در حفظ هویت قومی خود در انتخابات می‌کنند؛ زیرا که تنها با تکیه بر هویت قومی خود می‌توانند به این منابع دست یابند. یکی از دلایل طایفه‌گرایی در انتخابات در شهرهایی مانند پارس‌آباد رقابت بر سر منافع است چون طایفه پیروز علاوه بر آن که غروری در خود حس می‌کند منافی را نیز از این قبال به دست می‌آورد.

بر اساس نظریه محرومیت نسبی^۲ در صورت کمیابی و محدودیت منابع، بین افراد و گروه‌های اجتماعی رقابت به وجود می‌آید. چنانچه فرد یا گروه ببیند به آنچه که نیاز داشته نتوانسته دست پیدا کند در حالی که دیگران از آن بهره‌مند شده‌اند، احساس بی‌عدالتی و یا محرومیت نسبی خواهد کرد (مصطفی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۱۸۰). براساس نظریه محرومیت نسبی هنگامی که در محیطی کمبودها و محرومیت‌هایی باشد، برخی گروه‌های قومی سعی می‌کنند همین منابع اندک را به چنگ بیاورند. هنگامی که یک طایفه ببیند که امکاناتی که می‌توانست در اختیار او باشد ولی در دست طوایف دیگر است احساس محرومیت می‌کند. چنین احساس عقب‌ماندگی از دیگران در بین طوایف در سطح اجتماعی سبب طایفه‌گرایی در انتخابات می‌شود، چراکه طوایف نمی‌خواهند نسبت به دیگر طایفه‌ها احساس محرومیت کنند.

1. Glazer and Mouinean

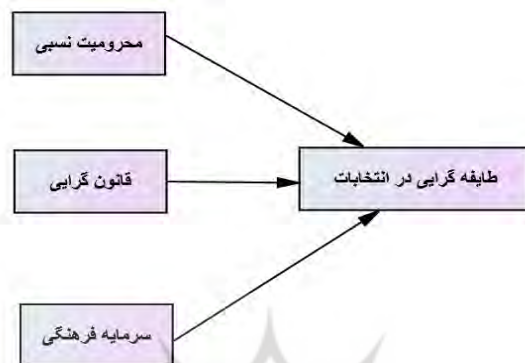
2. Relative Deprivation Theory

برمبنای واکاوی ادبیات نظری و تجربی تحقیق که در این مقاله و تا به اینجا مورد ملاحظه قرار گرفت، فرضیات و مدل نظری زیر را می‌توان تدوین نمود:

۱- بین احساس محرومیت نسبی و طایفه‌گرایی در انتخابات مجلس رابطه وجود دارد؛

۲- بین قانون‌گرایی و طایفه‌گرایی در انتخابات رابطه وجود دارد؛

۳- بین سرمایه فرهنگی و طایفه‌گرایی در انتخابات رابطه وجود دارد.



شکل ۱- مدل نظری تحقیق

روش پژوهش

این پژوهش به روش پیمایش و از نوع توصیفی تحلیلی و از نظر هدف کاربردی بوده است. جامعه آماری در این تحقیق نیز، کلیه افراد واجد شرایط شرکت در انتخابات یعنی افراد ۱۸ سال به بالای شهر پارس‌آباد تشکیل می‌دهند. تعداد جامعه آماری تحقیق ۶۵۲۰۷ نفر است که از این تعداد، ۳۸۴ نفر با استفاده از فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته (متغیرهای قانون‌گرایی، احساس محرومیت، طایفه‌گرایی) و پرسشنامه سرمایه فرهنگی بوردیو صورت گرفت. پایایی پرسشنامه از طریق ضریب آلفای کرونباخ و اعتبار آن از روش اعتبار محتوا به دست آمده است یعنی اعتبار گویه‌ها از طریق مشورت با اساتید و متخصصین تأیید شد. در جدول ۲ نتایج آزمون آلفای کرونباخ آمده است.

نمونه‌گیری تحقیق به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. با توجه به تقسیم‌بندی شهری پارس‌آباد که شامل ۱۶ محله است، تعداد ۶ محله به عنوان خوشه انتخاب شدند. در مرحله بعد، به صورت سیستماتیک نمونه انتخاب شد به این صورت که در داخل محله‌ها در هر بلوک از اعداد ۱ تا ۱۰ به صورت تصادفی عدد ۴ انتخاب شد چون عدد واسطه ۱۰ بود خانه‌های بعدی ۱۴ و ۲۴ انتخاب شد. در مرحله سوم از نمونه‌گیری تصادفی استفاده شد. بدین صورت که از افراد بالای ۱۸ سال خانواده یک نفر به صورت تصادفی ساده انتخاب شد. برای تحلیل آماری از نرم افزار SPSS و آزمون‌های آماری، F، T، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

جدول ۲- میزان آلفای متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

متغیر	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ	شاخص (AVE)
سرمایه فرهنگی	عینیت یافته	۰/۶۹	۰/۶۳۸
	نهادی	۰/۸۲	۰/۷۶۵
	تجسم یافته	۰/۷۰	۰/۷۱۶
	کل	۰/۸۸	۰/۷۷۰
قانون‌گرایی	۸	۰/۶۴	۰/۶۱۵
احساس محرومیت	۷	۰/۷۶	۰/۷۳۲
طایفه‌گرایی	۱۷	۰/۸۷	۰/۷۷۱

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش حاضر در جدول ۳ ارائه گردیده است.

جدول ۳- تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

متغیر	ابعاد	تعریف مفهومی	تعریف عملیاتی
محرومیت نسبی	-	احساس محرومیت نسبی بستگی به این دارد که مردم خود را با کدام یک از گروه‌های اجتماعی مقایسه می‌کنند؛ به عبارت دیگر، محرومیت امری نسبی است. اگر مردم خود را با گروه‌های اجتماعی برتری مقایسه کنند، سطح انتظارات آنها بالا خواهد رفت و اگر این انتظارات برآورده نشود، این امکان وجود دارد که خود را سازماندهی کنند و دست به شورش بزنند (عضدانلو، ۱۳۸۶: ۵۵۲-۵۵۳).	۱- در حال حاضر، اکثر مردم به حداقل درآمد دسترسی دارند؛ ۲- در حال حاضر، اکثر مردم به حداقل امکانات بهداشتی و تحصیلی دسترسی دارند؛ ۳- در حال حاضر، اکثر مردم به حداقل اطلاعات دسترسی دارند؛ ۴- در حال حاضر، اکثر مردم به حداقل امکانات قضایی و حقوقی دسترسی دارند؛ ۵- به طور کلی، همه افراد جامعه به صورت برابر از کلیه امکانات برخوردارند؛ ۶- در حال حاضر، رسیدگی به امور قضایی خیلی سریع صورت می‌گیرد؛ ۷- در حال حاضر، قضاات با اطلاعات دقیق اقدام به صدور رأی می‌کنند.
قانون‌گرایی	-	قانون‌گرایی به منزله پذیرش منطق قانون است و رفتاری است که از موافقت با قوانین رسمی جامعه منتج می‌شود (زارع شاه‌آبادی و ترکان، ۱۳۹۱: ۱۷۷).	۱- در مجموع آدم‌هایی که قانون را رعایت نمی‌کنند، موفق‌ترند؛ ۲- به تجربه فهمیده‌ام هرگاه قانون را رعایت نمی‌کنم کارها راحت‌تر انجام می‌شوند؛ ۳- وقتی دیگران قانون را رعایت نمی‌کنند چرا من آن را رعایت کنم؛ ۴- احساس می‌کنم هر وقت قانون را رعایت کرده‌ام از دیگران عقب مانده‌ام؛ ۵- در هر شرایطی سعی می‌کنم به قانون عمل کنم؛ ۶- همیشه دیگران را به رعایت قانون تشویق می‌کنم؛ ۷- ترجیح می‌دهم در صف اتوبوس نوبت را رعایت کنم؛ ۸- هر وقت قانون را رعایت نکرده‌ام تاوان و مجازات آن را کشیده‌ام.
سرمایه فرهنگی		سرمایه فرهنگی یعنی قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی و آن دربرگیرنده تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن در فرد انباشته می‌شود (روحانی، ۱۳۸۸: ۱۵) و همچنین اهداف فرهنگی ارزشمند مانند، صلاحیت‌های تحصیلی و فرهیختگی را شامل می‌شود (پوررحیمیان، ۱۳۹۳: ۴۶).	

متغیر	ابعاد	تعریف مفهومی	تعریف عملیاتی
سرمايه فرهنگي عينيت يافته	سرمايه فرهنگي	اين نوع سرمايه بيشتر از طريق جامعه‌پذيري از والدين به فرزندان منتقل مي‌شود. بوردیو (۱۹۸۶) اين نوع سرمايه را به عنوان «تمایلات پایدار ذهن و جسم» تعريف مي‌کند؛ که همراه با تولّد در وجود فرد شکل مي‌گيرد و نمي‌توان آن را مانند یک هدیه یا از طریق خرید یا مبادله به راحتی به دیگری انتقال داد، نظیر مهارت‌های زبانی (پوررحیمیان، ۱۳۹۳: ۴۸).	۱- مطالعه کتاب؛ ۲- مطالعه روزنامه و مجله؛ ۳- استفاده از اینترنت و کامپیوتر؛ ۴- رفتن به تئاتر و سینما؛ ۵- رفتن به موزه و بناهای تاریخی.
سرمايه فرهنگي تجسم يافته	سرمايه فرهنگي تجسم يافته	اين نوع سرمايه نه در ذهن و جسم؛ بلکه در کالاهای فرهنگي يافت مي‌شود که گروه‌های اجتماعي آنها را مصرف مي‌کنند نظیر: کتاب، نقاشی، کاست، عکس و ... (پوررحیمیان، ۱۳۹۳: ۴۸).	۱- دوربين فيلم برداری؛ ۲- کامپیوتر؛ ۳- کتابخانه شخصی؛ ۴- موبایل.
سرمايه فرهنگي نهادي شده	سرمايه فرهنگي نهادي شده	اين نوع سرمايه فرهنگي از یک طرف وابستگي و ارتباط متقابلي قوی با نوع اول سرمايه (تجسم يافته) دارد و لازمه آن قبل از هر چیزی وجود افراد مستعد در جهت کسب انواع مدرک تحصيلي، دانشگاهي و ... است (پور رحيميان، ۱۳۹۳: ۴۹).	۱- مهارت در هنر موسيقي؛ ۲- مهارت در نويسندگي؛ ۳- مهارت در خطاطي؛ ۴- مهارت در نقاشي؛ ۵- مهارت در زبان انگليسي و زبان‌های ديگر؛ ۶- مهارت و توانايي در ورزش حرفه‌اي؛ ۷- مهارت در شغل یا حرفه خاصی؛ ۸- مهارت در استفاده از کامپیوتر.
طایفه‌گرایی	-	به میزان وابستگي درون گروهی افراد یک طایفه نسبت به هم اطلاق می‌شود که در آن جمع‌گرایی افراطی حاکم بوده و فرد خارج از طایفه تعریفی ندارد (عشایری، ۱۳۹۲: ۹۰).	۱- اگر به هم طایفه‌ای خود رأی ندهم به طایفه خود خیانت کرده‌ام؛ ۲- برای روکم کنی طایفه‌های دیگر به کاندیدایی از طایفه خود رأی می‌دهم؛ ۳- به کاندیدای هم طایفه‌ای خود رأی می‌دهم چون از خون و طایفه خودم هست؛ ۴- معتقدم هرکس باید به کاندیدای هم طایفه‌ای خودش رأی بدهد؛ ۵- نظر من همه باید با هم طایفه‌ای خودشان ازدواج کنند نه با افراد طایفه دیگر؛ ۶- ترجیح می‌دهم همسایه‌ام هم طایفه‌ای خودم باشد تا از یک طایفه دیگر؛ ۷- همکار و شریک خودم را از طایفه خودم انتخاب می‌کنم تا از یک طایفه دیگر؛ ۸- در انتخابات مجلس به کاندیدی که از طایفه خودم باشد رأی می‌دهم تا از طایفه دیگر؛ ۹- سنت‌ها و آداب و رسوم طایفه من از آداب و رسوم طایفه‌های دیگر بهتر است؛ ۱۰- خودم را متعلق به طایفه‌ام می‌دانم؛ ۱۱- تا چه اندازه افراد طایفه شما در انتخابات با کاندیدای مورد نظر هم عقیده هستند؛ ۱۲- تا چه اندازه در رأی‌دادن تابع نظرات اعضای خانواده یا بزرگ طایفه خود هستید؛ ۱۳- برای معرفی خود به دیگران تا چه اندازه از نسبت فامیلی استفاده می‌کنید؟ ۱۴- به نظر شما کاندیدایی که از حمایت یک طایفه برخوردار نباشد تا چه اندازه شانس برنده شدن دارد؟ ۱۵- تا چه اندازه شما در صورت نامزد شدن یکی از افراد طایفه، در انتخابات از او حمایت می‌کنید؟ ۱۶- تا چه اندازه در مسائل سیاسی و اجتماعی (رأی‌دادن) با هم طایفه‌ای‌ها هماهنگ و همسو هستید؟ ۱۷- به نظر شما تا چه اندازه اختلافات طایفه‌ای بین طوایف مختلف باعث گرایش به سوی نامزد خاص می‌شود.

یافته‌ها

یافته‌ها نشان می‌دهد، ۵۳/۶ درصد پاسخگویان مرد و ۴۶/۴ درصد زن می‌باشند. همچنین ۳۳/۹ درصد پاسخگویان مجرد، ۶۵/۴ درصد متأهل و ۰/۸ بی‌همسر در اثر طلاق یا فوت بوده‌اند. میانگین سنی پاسخگویان ۳۱ سال، و انحراف معیار ۹/۵۹ می‌باشد. ۸/۹ درصد پاسخگویان سطح تحصیلات‌شان بی‌سواد و ابتدایی، ۵۰ درصد راهنمایی و دبیرستان، ۳۳/۹ درصد کاردانی و کارشناسی، ۷/۳ درصد کارشناسی ارشد و دکتری داشتند. ۳۳/۶ درصد زیر یک میلیون، ۵۰ درصد ۱ تا ۲ میلیون، ۱۲ درصد ۲ تا ۳ میلیون، ۳/۱ درصد ۳ تا ۴ میلیون، ۰/۸ درصد ۴ تا ۵ میلیون و ۰/۵ هم بالای ۵ میلیون درآمد دارند.

فرضیه اول تحقیق حاکی از این بود که بین سرمایه فرهنگی و طایفه‌گرایی در انتخابات رابطه وجود دارد. این فرضیه در جدول ۴ مورد آزمون قرار گرفته است.

جدول ۴- آزمون رابطه همبستگی میزان ابعاد سرمایه فرهنگی و طایفه‌گرایی

نام متغیر	همبستگی پیرسون	سطح معناداری
تجسم یافته	-۰/۱۰۳*	۰/۰۴۳
نهادینه شده	-۰/۰۳۱	۰/۵۴۷
عینیت یافته	-۰/۰۳۸	۰/۴۶۳
سرمایه فرهنگی (شاخص کل)	-۰/۰۶۷	۰/۱۸۹

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد بین طایفه‌گرایی و سرمایه فرهنگی با سطح معناداری ($P=۰/۰۴۳$) در بعد تجسم یافته همبستگی معکوس و معنی‌داری وجود دارد. ضریب همبستگی ($-۰/۱۰۳^*$) است و نشان می‌دهد با کاهش این سرمایه فرهنگی، میزان طایفه‌گرایی افزایش می‌یابد. در سایر ابعاد همبستگی معنی‌داری مشاهده نشد.

فرضیه دوم حاکی از آن بود که بین قانونگرایی و طایفه‌گرایی در انتخابات رابطه وجود دارد. جدول ۵ نتایج آزمون آماری این فرضیه را بر مبنای ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد. نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد بین قانون‌گرایی با سطح معناداری ($P=۰/۰۰۱$) و ضریب همبستگی ($-۰/۱۸۷^{**}$) رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. بدین معنا که هرچه قانون‌گرایی کاهش یابد میزان طایفه‌گرایی افزایش می‌یابد.

جدول ۵- آزمون رابطه همبستگی قانون‌گرایی و طایفه‌گرایی

نام متغیر	همبستگی پیرسون	سطح معناداری
قانون‌گرایی	-۰/۱۸۷**	۰/۰۰۱
محرومیت نسبی	۰/۱۷۱**	۰/۰۰۱

جدول ۵ همچنین نتایج مربوط به آزمون فرضیه سوم پژوهش را نشان می‌دهد. فرضیه سوم بیانگر آن بود که بین احساس محرومیت نسبی و طایفه‌گرایی در انتخابات مجلس رابطه وجود دارد. بر اساس نتایج جدول، بین میزان احساس محرومیت نسبی با طایفه‌گرایی با

سطح معناداری ($P=0/001$) و ضریب همبستگی ($0/171^{**}$) رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد و نشان می‌دهد هرچه که احساس محرومیت نسبی بیشتر شود طایفه‌گرایی در انتخاب هم افزایش پیدا می‌کند.

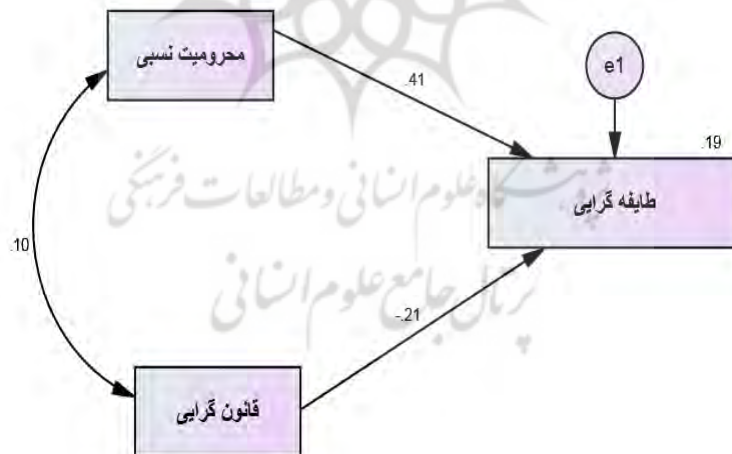
به منظور ارزیابی دقیق‌تر روابط میان متغیرها، از تکنیک‌های تحلیل چند منغیره استفاده گردید. در مقاله حاضر، برای بررسی روابط مستقیم محرومیت نسبی، قانون‌گرایی و سرمایه فرهنگی و طایفه‌گرایی از روش معادلات ساختاری استفاده شد. به منظور بررسی مطلوبیت مدل پژوهش حاضر، شاخص‌های برازش مدل محاسبه شده است.

جدول ۶- شاخص‌های برازش مدل

RMSER	CFI	IFI	AGFI	GFI	X^2/df	شاخص‌های برازندگی الگو
0/044	0/95	0/92	0/81	0/92	1/73	مدل قبل از اصلاح
0/032	0/97	0/95	0/88	0/96	1/39	مدل بعد از اصلاح

در جدول ۶، هم شاخص‌های قبل از اصلاح و هم شاخص‌های بعد از اصلاح نشان داده شده است. شاخص‌های قبل از اصلاح نشان می‌دهد که برخی از شاخص‌های مدل در ابتدا از برازش خوبی برخوردار نبودند که با انجام اصلاحات مورد نیاز، مدل به برازش مطلوب رسید. شاخص‌های بعد از اصلاح نشان می‌دهد که مقادیر شاخص‌های برازندگی، شامل مجذور خی نسبی ($X^2/df=0/39$)، شاخص نیکویی برازش ($GFI=0/95$)، شاخص نیکویی برازش تعدیل‌یافته ($AGFI=0/95$)، شاخص برازندگی افزایشی ($IFI=0/95$)، شاخص برازندگی تطبیقی ($CFI=0/95$)، شاخص جذر میانگین مجذورات خطای تقریب ($RMSEA=0/95$) به دست آمدند.

نتایج جدول ۷ و شکل ۲، نشان می‌دهد که محرومیت نسبی دارای اثر مستقیم و مثبت و معنی‌دار بر طایفه‌گرایی ($\beta=0/41$) و قانون‌گرایی ($p<0/01$)، قانون‌گرایی دارای اثر مستقیم و منفی و معنی‌دار بر طایفه‌گرایی ($\beta=-0/21$) و $p<0/01$ است.



شکل ۲- مدل نهایی پژوهش

جدول ۷- اثرات مستقیم و کل متغیرهای پژوهش

اثر کل		اثر مستقیم		نام مسیر
p	β	p	B	
۰/۰۰۴	۰/۴۱	۰/۰۰۴	۰/۴۱	محرومیت نسبی بر طایفه‌گرایی
۰/۰۰۵	-۰/۲۱	۰/۰۰۵	-۰/۲۱	قانون‌گرایی بر طایفه‌گرایی

بحث و نتیجه‌گیری

نظام انتخاباتی مطلوب تأثیر به‌سزایی در تحقق شکل‌گیری مجلس و دولت کارآمد، ثبات سیاسی و اجتماعی دارد. یکی از شاخص‌های توسعه سیاسی در جهان کنونی مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود است که این امر از طریق رقابت سیاسی سالم و کارآمد به وقوع می‌پیوندد. این شاخصه معمولاً در کشورهای توسعه یافته با عنوان الگوی مشارکتی و فعال تبیین می‌شود که عاملی برای مشارکت در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی است. اما در کشورهای در حال توسعه نحوه نوع حامی‌بودن یکی از موانع اصلی گذار به دموکراسی محسوب می‌شود که نمونه بارز آن می‌تواند در انتخابات مبتنی بر طایفه‌گرایی مشاهده کرد. هنگامی که سازوکارها و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی انتخابات پی‌ریزی درستی نداشته باشد خود سرمنشأ اتفاقات و رویدادهای زیانبار بسیاری می‌گردد. معیار گزینش نامزدها در انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه پارس‌آباد احساسات، عواطف و مسائلی نظیر نسب، زادگاه قوم و طایفه است. در نتیجه افراد شایسته و کارآمد به دلیل وابسته‌بودن به طایفه‌ای که جمعیت کمتری دارد از راهیابی به مجلس بازمانده‌اند و گزینش سیاسی افراد مبتنی بر مشخصه‌های طایفه‌ای یا همان کنش سنتی بوده است.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که بین میزان احساس محرومیت نسبی با طایفه‌گرایی در انتخابات رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد؛ بدان معنا که هرچه میزان احساس محرومیت نسبی بیشتر شود، طایفه‌گرایی در انتخاب هم افزایش پیدا می‌کند. که با نتایج پژوهش‌های عشائیری و جهان‌پرور (۱۴۰۰)، میرزایی‌تبار و همکاران (۱۳۹۶) و شمس‌الدینی و همکاران (۱۳۹۳)، همسو است. در این پژوهش نظریه محرومیت نسبی به عنوان چارچوب نظری استفاده شده است که بر اساس این نظریه هنگامی که در محیطی کمبودها و محرومیت‌هایی باشد برخی از افراد و گروه‌ها در تلاشند تا به اندک منابع موجود دست یابند.

یکی از جاهایی که این فرصت دستیابی امکان ظهور و بروز می‌یابد صحنه انتخابات می‌باشد. در حقیقت، در نبود یک مکانیسم توزیع عادلانه، افراد کوتاه‌ترین و در دسترس‌ترین گزینه برای دستیابی به امکانات را در تلاش برای فرستادن نامزدهای طایفه خود به مجلس شورای اسلامی می‌بینند. آنچه که فرهنگ عشائیری و طایفه‌ای و تأثیرگذاری آن در این شهرستان را تقویت می‌نماید احساس محرومیت و توزیع ناعادلانه امکانات است.

همچنین براساس نظریه رقابت بر سر منافع، گروه‌های طایفه‌ای که در یک سرزمینی وجود دارند همواره برای دستیابی به منابع به ویژه مشاغل دولتی با هم رقابت دارند و این رقابت در صحنه‌ای به مانند انتخابات ظهور و بروز می‌کند و افراد آن قوم برای آن که بتوانند به منافع خود دست یابند همیشه سعی در حفظ هویت قومی خود در انتخابات می‌کنند، زیرا که تنها با تکیه بر هویت قومی خود می‌توانند به این منابع دست یابند. لذا با توجه به تأیید مبانی نظری توسط داده‌های پژوهش از این رو پیشنهاد می‌گردد: محرومیت‌زدایی از شهرها و روستاهای پارس‌آباد صورت گیرد، همچنین دسترسی و توزیع عادلانه به حداقل‌های امکانات رفاهی، بهداشتی و تحصیلی مورد توجه سازمان‌های زیربربط قرار گیرد. همچنین نمایندگان شهر با انتخاب افراد شایسته از همه طوایف سعی‌شان بر این باشد که همه طوایف را در اداره شهر سهیم کنند. همچنین با ایجاد سندیکاها و حزب‌ها و تحزب‌گرایی که فراتر از افراد و نخبگان بومی باشند می‌تواند طایفه‌گرایی را کاهش داد.

نتایج تحقیق نشان داد که بین میزان سرمایه فرهنگی تجسم یافته (میزان خواندن کتاب، روزنامه، مجلات، استفاده از اینترنت و ...) با گرایش به طایفه‌گرایی همبستگی معکوس و معناداری وجود دارد. به نظر می‌رسد هرچه میزان استفاده از کالاهای فرهنگی بیشتر باشد گرایش به طایفه‌گرایی کمتر می‌شود. در این پژوهش متغیر سرمایه فرهنگی از نظریه لازارسفلد استخراج شده است. لازارسفلد در نظریه خود تأکید می‌کند جهت‌گیری سیاسی معلول شرایط اجتماعی و فرهنگی است که فرد درون آن زیسته و رشد کرده است. بر طبق این نظریه، از آنجا که زندگی مردم پارس‌آباد از دیرباز به صورت طایفه‌ای بوده، در جامعه طایفه‌ای فرد به شدت به گروه و جمع متکی است. طایفه منافع فرد را تضمین می‌کند، و فرد خارج از طایفه تعریفی ندارد. بر این اساس رشد فرد در چنین شرایط اجتماعی و فرهنگی منتهی به این می‌شود که انسان تحت تأثیر چنین محیطی قرار بگیرد و الگوی رأی‌دهی خود را به صورتی برگزیند که تنها به هم طایفه‌ای خود رأی دهد که نتایج تحقیق تأییدکننده نظریه لازارسفلد می‌باشد.

سرمایه فرهنگی تجسم یافته همانطور که گفته شد، جنبه فردی دارد و مجموعه صلاحیت‌ها یا مهارت‌هایی است که از دارنده آن جدایی‌ناپذیر است، بنابراین کسب این نوع سرمایه فرهنگی مستلزم صرف زمان جهت آموزش و تمرین است و در طول زمان خود را در شخص مجسم می‌سازد، این بُعد از سرمایه فرهنگی از طریق بخشش یا وراثت، خرید یا مبادله به دیگری انتقال نمی‌یابد. بلکه با افزایش آگاهی‌ها، صلاحیت‌ها و مهارت‌های درونی فرد از طریق آموزش و تمرین به دست می‌آید. با توجه به تأیید این فرضیه پیشنهاد می‌گردد در جهت افزایش سرمایه‌های فرهنگی در بین طوایف شهر پارس‌آباد میزان استفاده از ابزارهای نوین ارتباط جمعی و فناوری همچون کامپیوتر و اینترنت همچنین ایجاد مراکز فرهنگی همانند سینماها، سالن‌های مطالعه و کتابخانه‌ها در سطح شهر در دستور کار قرار گیرد. همچنین فراهم نمودن شرایط لازم جهت ایجاد تشکلهای و گروه‌های اجتماعی مدرن به منظور تقویت پیوندهای اجتماعی و تحکیم روابط اجتماعی، یکی دیگر از طرق کاهش میزان طایفه‌گرایی می‌تواند باشد.

از دیگر نتایج تحقیق این بود که بین قانون‌گرایی و گرایش به طایفه‌گرایی در انتخابات رابطه معکوس و معناداری وجود دارد، بدان معنا که هرچه از قانون‌گرایی کاسته شود طایفه‌گرایی در انتخابات نیز افزایش پیدا می‌کند. افراد قانون‌گرا گرایش به طایفه‌گرایی کمتری دارند و افراد قانون‌گریز، طایفه‌گراتر هستند. چراکه هرچه میزان روابط مدنی و رسمی افراد بیشتر باشد، پیوند آنها با جامعه بیشتر و رفتارهای جمع‌گرایانه (نه به معنای طایفه‌گرایانه) آنها بیشتر خواهد شد و در مقابل، از میزان رفتارهای مبتنی بر فردگرایی و خودسرانه (به معنای خودمحوربینی طایفه خود) کاسته می‌شود. لذا پیشنهاد می‌گردد با فرهنگ‌سازی توسط رسانه‌های جمعی و نهادهای فرهنگی، قانون‌گرایی تقویت گردد. همچنین فعالیت تشکلهای و انجمن‌های اجتماعی می‌تواند زمینه رشد لازم برای آگاهی افراد را فراهم آورده که در حقیقت این امر زمینه مشارکت و همبستگی اعضا را گسترش می‌دهد و موجبات قانون‌گرایی آنان را فراهم می‌سازد. همچنین مجموعه‌ای از آموزش‌هایی که به تقویت و نهادینه کردن آموزه‌های شهروندی همچون قانون‌گرایی و احترام به قانون می‌تواند در کاهش طایفه‌گرایی در انتخابات مؤثر باشد، توصیه می‌شود.

منابع

- اورکی، پروش (۱۳۹۱). *مفاهیم و نظریه‌های امنیت*، کرج، انتشارات نیبگ.
- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۷). *رفتار انتخاباتی (الگوها و نظریه‌ها)*، مجموعه مقالات مشارکت انتخاباتی، مشارکت سیاسی، تهران، انتشارات سفیر.
- باقری‌دولت‌آبادی، علی؛ مجاهدزاده، محمد؛ اکبری، فرزاد؛ باقری‌نژاد، سید اصغر (۱۳۹۷). بررسی تأثیر فرهنگ عشیره‌ای-طایفه‌ای بر رفتار انتخاباتی (مطالعه موردی روستایان حوزه انتخابی دنا)، *پژوهش‌های جغرافیای سیاسی*، ۳(۱۱)، ۲۷ - ۶۶.

- پوررحیمیان، الهه (۱۳۹۳). «بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و خشونت خانگی علیه زنان متأهل شهر مهریز»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد.
- پیری، حسن؛ حسین‌پور، محمدطه (۱۳۹۳). تحلیل رفتار انتخاباتی شهروندان استان ایلام در انتخابات مجلس شورای اسلامی (با تأکید بر انتخابات مجلس نهم)، دومین کنفرانس ملی جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- خالقی‌پور، مصطفی (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر فرهنگ عشیره‌ای بر رفتار انتخاباتی شهروندان استان کهگیلویه و بویر احمد»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.
- دومارگون، ژان ایو؛ موشار، دانیل (۱۳۹۵). *مبانی جامعه‌شناسی سیاسی*، (ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر)، تهران، نشر آگه.
- ربیعی، علی (۱۳۸۷). *مطالعات امنیت ملی (مقدمه‌ای بر نظریه‌های امنیت ملی در جهان سوم)*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی مرکز چاپ و انتشار وزارت امور خارجه.
- روحانی، حسن (۱۳۸۸). درآمدی بر نظریه سرمایه فرهنگی، *راهبرد*، ۱۸(۵۳)، ۳۵-۷.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر؛ ترکان، رحمت‌الله (۱۳۹۱). عوامل قانون‌گرایی در شهر یزد، *رفاه اجتماعی*، ۳(۵۰)، ۱۵۹-۲۰۵.
- زارع، مریم؛ آذین، احمد؛ محمدی، اصغر (۱۳۹۹). بررسی تأثیر طایفه‌گرایی بر الگوی انتخابات مجلس هشتم تا دهم شورای اسلامی (مطالعه موردی: شهرستان نورآباد)، *رهیافت*، ۱۴(۵۲)، ۲۰۵ - ۲۲۴.
- سجادیان، ناهید؛ نعمتی، مرتضی؛ شجاعیان، علی؛ اورکی، پریش (۱۳۹۴). ارزیابی نقش طایفه‌گرایی در احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی: شهر ایذه)، *اطلاعات جغرافیایی سپهر*، ۲۴(۹۴)، ۵۹-۷۶.
- سجاسی قیداری، حمدالله؛ پورطاهری، مهدی؛ صادقی، وحید؛ حسینی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۵). تحلیل رابطه طایفه‌گرایی اجتماعات محلی با توسعه سیاسی در شرایط انتخاباتی (مطالعه موردی: شهرستان نورآباد ممسنی)، *جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، ۴(۱)، ۱۹-۴۶.
- سریع‌القول، محمود (۱۳۸۷). *فرهنگ سیاسی ایران*، تهران پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- شکوئی، حسین (۱۳۸۱). *جغرافیای شهری*، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- شمس‌الدینی، علی؛ اطاعت، جواد؛ شهریور، هومان (۱۳۹۲). نقش مشارکت سیاسی روستائیان در افزایش خدمات‌رسانی به روستاهای شهرستان ممسنی، *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۲(۳)، ۸۷-۱۰۰.
- صفری‌شالی، رضا (۱۳۹۴). بررسی رفتار رأی‌دهندگی ایرانیان در انتخابات مجلس شورای اسلامی، *مطالعات راهبردی*، ۱۸(۳)، ۱۱۹-۱۳۸.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۹). *بنیادهای علم سیاست*، تهران، نشر نی.
- عشایری، طاها (۱۳۹۲). مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نزاع (درگیری)های دسته‌جمعی روستایی-عشایری و پیامدهای آن (مورد مطالعه روستای پریخان از توابع شهرستان مشکین‌شهر اردبیل)، دفتر تحقیقات کاربردی استان اردبیل.
- عشایری، طاها؛ جهانپور، طاهره (۱۴۰۰). تحلیل تأثیر ساختار طایفه‌ای بر کنش انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران، *دانش سیاسی*، ۱۷(۳۴)، ۴۰۷-۴۳۲.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۶). *آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*، تهران، نشر نی.

قجری، حسینعلی؛ آذین، احمد؛ ظفری، حیدر (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر الگوی رایدهی مردم شهرستان اردل در انتخابات مجلس شورای اسلامی، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا*، ۳(۶)، ۱۳۵-۱۷۳.

گودرزی، حسین (۱۳۸۴). *گفتارهایی درباره جامعه‌شناسی هویت در ایران*، تهران، انتشارات تمدن ایرانی.

مصطفی نژاد، حسن (۱۳۸۹). *مدیریت بحران‌های قومی با رویکرد انتظامی (مبانی، اصول و الگوها)*، تهران، انتشارات زرد.

میرزایی تبار، میثم؛ حسینی، سیدمحمدحسین؛ صادقی، وحید (۱۳۹۶). تبیین رابطه طایفه‌گرایی و حقوق شهروندی (نمونه پژوهشی: انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخاباتی ممسنی)، *پژوهش‌های جغرافیای سیاسی*، ۲(۲)، ۲۵-۵۴.

هیوود، اندرو (۱۳۸۹). *سیاست*، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران، نشر نی.

Campbell, A., Converse, P., Miller, W., & Stokes, D. (1980). *The American Voter*. The University of Chicago Press.

Downs, A. (1957). *An Economic Theory of Democracy*. The University of Chicago Press.

Lazarsfeld, P., Berelson, B., & Gaudet, H. (1968). *The People Choice How the Voter Make up His Mind in a President Campaign*. Columbia University Press.

Nie, N., Verba, S., & Petrocik, J. (1999). *The Changing American Voter*. Harvard University Press.

